

فرق الشيعة يا مقالات الامامية از نوبختی است يا اشعری؟

○ نوشته استادسید محمدرضا حسینی جلالی
ترجمه جویا جهانبخش

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على النبي الأمين و على آله
الطاهرين

در میان خاورشناسانی که در نشر میراث عربی و اسلامی کوشیده‌اند، خاورشناس آلمانی، استاد ه. ریتز Helmut Ritter به سبب کارهای کلانش در حوزه عقائد و فرق، برجستگی دارد. از کارهای چشمگیر او، یکی کتاب فرق الشيعة است که وی آن را بخش چهارم «النشریات الاسلامیة لجمعية المستشرقین الألمانیه» قرار داد و نخستین بار در مطبعه دولت در استانبول به سال ۱۹۳۱ م. به چاپ رسانید. وی تألیف این اثر را به ابومحمد حسن بن موسی نوبختی نسبت داده است. در آماده‌سازی و تصحیح آن کوشش فراوان نموده و فهرس علمی برای کتاب ترتیب داده، و بدین ترتیب خدمتی به میراث ما نموده که سپاس گزاردنی است.

علامه مرحوم سید هبه‌الدین شهرستانی کاظمی بر این چاپ کتاب مقدمه‌ای نوشته مشتمل بر شرح حال صاحب تألیف، نوبختی، و بحثی درباره خود اثر.

از همان زمان انتشار کتاب، درباره نسبت آن به نوبختی بحث در افتاد، و دو تن از پژوهندگان، از این منظر، اثر را مورد بررسی قرار دادند. این دو تن، علامه شیخ فضل الله زنجانی، شیخ الاسلام زنجان، و استاد عباس اقبال آشتیانی بودند که اولی به صحت این نسبت به نوبختی عقیده داشت و دومی معتقد به عدم صحت نسبت بود و اعتقاد داشت که این اثر از نگارشهای ابوالقاسم سعد بن عبدالله اشعری، همروزگار نوبختی است. استاد اقبال در باور خود بر سنجش متن چاپی با نصوص [منقول] از کتاب اشعری تکیه داشت.

این بحث در زمانی در افتاد که متن کاملی از کتاب اشعری در دست نبود ولی اخیراً دکتر محمد جواد مشکور به دستنوشتی از این اثر دست یافته و آن را به سال ۱۹۶۳ م. در طهران به نام المقالات والفرق چاپ کرده است. دکتر مشکور گمان می‌کند دست یافتن وی بر کتاب اشعری بحث در

این باب را به فرجام رسانیده و بدین ترتیب نسبت کتاب فرق الشيعة به نوبختی قطعی می‌شود. او با نظر زنجانی همسو شده، می‌گوید: «شبهه‌ای که مرحوم عباس اقبال پدید آورد، پس از دستیابی به نسخه فرق الشيعةی سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری - بحمدالله و منته - مرتفع گردید، و ثابت شد که فرق الشيعةی نوبختی، غیر از الفرق و المقالات یا فرق الشيعةی اشعری است. این دو کتاب از میان کتب فرق الشيعةی فراوانی که همگی از میان رفته، به دست ما رسیده‌اند.»

با اینهمه من معتقدم که آن شبهه به صرف دستیابی به کتاب اشعری از میان نرفته، زیرا که خاستگاه شبهه نزد استاد اقبال سنجش میان متن چاپ شده و نصوص منقول از کتاب اشعری در کتابهای پیشینیان است، و روشن است که مدعای اقبال، دو سوبه دارد.

یکی آنکه متن چاپ شده در استانبول تألیف نوبختی نیست.

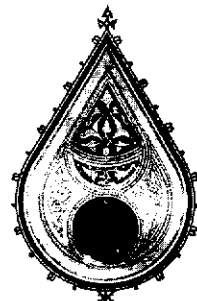
و دیگر آنکه متن چاپ شده در استانبول، همانا از اشعری است. با دستیابی بر متن کامل کتاب اشعری - که ادله صحت نسبتش را بیان خواهیم کرد - سوبه دوم مدعای اقبال رد می‌شود؛ چون اختلاف محسوسی بین فرق الشيعةی چاپ شده منسوب به نوبختی و متن کتاب اشعری وجود دارد.

اما بحث درباره سوبه نخست، گرچه اندکی دگرگون می‌شود، لیک این دگرگونی جوهری نیست و اکنون پس از دستیابی به کتاب اشعری طرح این بحث با تکیه بر سنجش آن با متن چاپ شده در استانبول، رواست. براین بنیاد، هنوز نیازمند تتبع و سنجش و مطالعه بیشتر است تا هنگامی که به نتیجه رضایتبخش کاوش پژوهشگر بینجامد. ناگزیر باید به هر دو نویسنده و دو کتاب نظری بیفکنیم:

نوبختی

او، حسن بن موسی نوبختی، ابومحمد، پسر خواهر ابوسهل است. شیخ طوسی در کتاب رجالش او را یاد کرده و توثیق نموده است.^۳ همچنین شیخ در الفهرست او را به عنوان متکلم فیلسوف وصف کرده و گفته است: وی امامی ای نیکو اعتقاد بود؛ و نام شماری از نگاهشته‌هایش را





برشمرده است.^۴

نجاشی در کتاب رجالش گفته است: «شیخنا المتکلم، المبرز علی نظرائه فی زمانه قبل الثلاثمائة و بعدها» و آنگاه بسیاری از کتابهای وی را برشمرده است.^۵

سید هبة‌الدین شهرستانی شرح حال درازدامنی از وی در مقدمه چاپ استانبول آورده که از کتاب خود، النوبختیة (فی تراجم آل نوبخت)، برگرفته است.^۶ این شرح حال در دیگر چاپهای کتاب هم طبع گردیده.

استاد اقبال شرح حال او را به تفصیل در کتاب خویش، خاندان نوبختی، به فارسی، قلمی کرده است.^۷

نوبختی از بزرگان فن «آراء ومقالات و فرق» بوده و مؤلفاتی چند در مسائل کلامی و ردیه‌ها دارد. نامبردارترین نوشته‌های او، کتاب الازاء و اللذائذ در تاریخ فرق و باورهاشان است که طوسی این اثر را از او شمرده و گفته: آن را به پایان نرساند.^۸ نجاشی این کتاب را یاد کرده و گفته که آن را بر شیخ مفید خوانده است.^۹ ابن شهر آشوب نیز این اثر را در شرح حال نوبختی گزارش کرده است.^{۱۰} برخی فصول این اثر را عبدالرحمن ابن جوزی در کتاب خود، تلخیص ابلیس، نقل کرده^{۱۱} و استاد ه. ریتز همه آنچه را ابن جوزی یاد کرده، در پیشگفتار چاپ نخست فرق الشیعة آورده است.^{۱۲}

استاد اقبال هم سیاهه‌ای از جایگاههای نقل از این اثر، چه به توسط ابن جوزی و چه جز او، ارائه کرده است.^{۱۳}

کتاب فرق الشیعة

نجاشی در رجال خود این اثر را به همین عنوان از نوشتارهای نوبختی دانسته و بلافاصله کتاب دیگری از وی را به نام «الرد علی فرق الشیعة ماخلاً الامامیة» یاد کرده است.^{۱۴}

جز نجاشی، هیچیک از فهرست‌نگاران قدیم، چون ابن الندیم و طوسی و ابن شهر آشوب،^{۱۵} کتابی را با این عنوان از وی ندانسته‌اند. لیک ذکر «کتاب نوبختی»، در برخی نگارشها - به هنگام سخن از شمار فرق شیعه - رفته است و برخی فضلاً چنین نتیجه گرفته‌اند که مراد از «کتاب نوبختی» ی یاد شده در این نگارشها، همانا فرق الشیعة بوده است. بر این بنیاد، باید این نگارشها را بررسیم، تا ببینیم چه اندازه بر این برآیند، دلالت می‌کنند:

۱- الفصول المختارة: این کتاب برگزیده شریف مرتضی است از برخی فصول کتاب العیون و المحاسن استادش، شیخ مفید.^{۱۶} در این کتاب به هنگام یادکرد فرق‌های شیعی پس از وفات امام یازدهم، حسن بن علی عسکری - علیهما السلام - چنین آمده است: «افترق أصحابه بعده - علی ماحکاه أبو محمد الحسن بن موسی رضی الله عنه - أربع عشر فرقة»^{۱۷}.

اگر این جمله معترضه در نسخ الفصول المختارة اصلی و اصیل باشد - چه ما جز بر دستنوشتی جدید که اصل متن چاپ شده آن است دست نیافته‌ایم -، آنگاه این جمله، یکی از مؤیدات عدم صحت انتساب فرق الشیعة به نوبختی است؛ زیرا ناهمسانی فراوانی میان آنچه مفید نقل کرده، و آنچه در فرق الشیعه ی چاپ شده آمده، چه از دیدگاه کمیت، و چه از دیدگاه ترتیب بر شمردن فرق‌ها، وجود دارد؛^{۱۸} و توضیح این مورد خواهد آمد.

۲- منهاج السنة النبویة از ابن تیمیة حنبلی، وی، برای بیان بسیاری فرق‌های شیعه، گفته است: «وقد صنف الحسن بن موسی النوبختی و غیره فی تعدید فرق الشیعة».^{۱۹} این نص فقط برای دلالت می‌نماید که نوبختی و جز او، درباره شمار فرق‌های شیعی، کتاب نوشته‌اند؛ بی‌آنکه نشان بدهد نام کتاب نوشته شده، «فرق الشیعة» بوده است. پس چه بسا این تیمیة از آن کتاب نوبختی که نجاشی با عنوان «الرد

علی فرق الشیعة ماخلاً الامامیة» یاد کرده است، آگاه شده باشد. افزون بر آن، شاید ابن تیمیة تنها از سخن نجاشی درباره فرق الشیعة نوبختی اطلاع یافته و اصل مصنفات را ندیده باشد؛ چه، این نص وجود کتاب نوبختی را نزد ابن تیمیة نشان نمی‌دهد، چه رسد به آن که نام کتاب «فرق الشیعة» بوده باشد.

۳- الدروس الشرعية فی فقه الامامیة از شهید اول عاملی.

وی در درس ثانی از کتاب وقف، به هنگام تعیین موقوف علیهم، چنین گفته است: «والشیعة من شایع علیاً علیه السلام فی الامامة بغير فصل، و قد جعلهم ابن نوبخت هم المسلمین، و کمل منهم الفرق الثلاث و السبعین».^{۲۰} ظاهر این نص تنها نشان می‌دهد که شهید از کتابی از نوبختی آگاه شده که متضمن بحث از حصر مسلمانان در شیعه و کوشش نویسنده بوده است تا نشان دهد آن هفتاد و سه فرقه که پیامبر - صلی الله علیه و آله - آگاهی داده‌اند همه، جز یک فرقه، هالک و در آتش هستند، منحصرند در این طائفه. پس شاید شهید از کتاب دیگر نوبختی، یعنی الرد علی فرق الشیعة ماخلاً الامامیة آگاه شده باشد؛ چه، در جایی که نوبختی خود امامی مذهب است، ناگزیر به رد بر آن هفتاد و دو فرقه و اثبات نجات فرقه خود، امامیه، دست می‌یازد.

این احتمال [یعنی این که کتاب مورد نظر شهید همان ردیه نوبختی بوده باشد] با آنچه شهید یاد کرده سازگارتر است تا آن که فرض کنیم کتابی که وی از آن آگاه شده است، همین فرق الشیعی چاپ شده، باشد؛ چرا که در متن چاپ شده، چنین آمده است: «... فان فرق الامة کلها المتشیعة و غیرها اختلفت فی الامامة فی کل عصر و وقت منذ قبض الله محمداً صلی الله علیه و آله»^{۲۱}.

این نشان می‌دهد نزد مؤلف این کتاب، شیعه و غیر شیعه، مصداق «أمة» - که تعبیری دیگر از «مسلمین» می‌باشد - هستند، و این باحضری که شهید از نوبختی نقل کرد، سازگار نیست.

افزون بر این، فرق‌های موجود در کتاب فرق الشیعی چاپ شده، با عدد یاد شده سازگار نیست؛ زیرا اگر فرق‌های فرعی هر عصر و وقت را در شمار آوریم، بسی از آن عدد بیشتر می‌شود، و اگر به فرق‌های اصلی بسنده کنیم، بسیار کمتر می‌گردد.

پس بی‌گمان آنچه شهید از آن مطلع شده، غیر از این متن چاپ شده بوده، و البته نام آن کتابی هم که شهید دیده، بر ما معلوم نیست.

۴- المغنی از قاضی عبدالجبار.

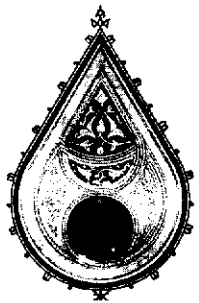
در فصل فرق امامیة آن چنین آمده است: «و ذکر الحسن بن موسی فی بیان قول الاسماعیلیة و القرامطه»^{۲۲} و در بیان فرق زیدیه آمده است: «حکی عن الحسن بن موسی»^{۲۳}.

این نقل دوم وجود یک واسطه شفاهی را نشان می‌دهد، لیک از نقل نخست پیداست که قاضی در گزارش بر کتابی از نوبختی اعتماد نموده ولی هیچ نشان نمی‌دهد که این گزارش، از میان کتب نوبختی، به طور خاص از همان کتاب فرق الشیعة بوده باشد.

غرض از بررسی مصادر نقل‌کننده از نوبختی، همین برآیند بود که کتاب فرق الشیعی او اشتها نداشت است و معلوم نیست در این منابع از آن کتاب نقل شده باشد؛ و گرنه هیچ انگیزه‌ای برای اخفای نام کتاب یا چنین تنگ چشمی‌ای در نقل از آن، وجود نداشته است.

اما در اصل نسبت کتابی موسوم به «فرق الشیعة» به نوبختی اگر چه بیشترینه پیشینیان از آن یاد کرده‌اند تردیدی نیست چون نجاشی - که [در





مرکب اصل نسخه چنین نوشته شده: «تم الفرق بین الفرق، للعالم الکبیر ابن نوبخت، ابی محمد الحسن بن موسی، علی ید عبدالله الفقیر، محمد بن الشیخ طاهر السماوی، لليلة بقیت من ربیع الثانی، سنة الألف و الثلاثمائة والاثین و ثلاثین من الهجرة، علی نسخة مخطوطة فی بلد الکاظمین».

بر هوامش این دستنوشست تصحیحاتی با مرکب سیاه کمرنگ هست و با همین مرکب در پایان آن نوشته شده: «تم صححت علی نسخة فی کربلا».

در متن چاپ شده کتاب، چاپ کننده بر دستنوشتی تکیه داشته که آن را اینگونه وصف کرده است: «عنوان نسخه چنین آمده: کتاب فیہ مذاهب فرق اهل الامامة و أسماءها، و ذکر اهل مستقیمها من سقیمها، و اختلافها و عللها، تألیف ابی محمد الحسن بن موسی النوبختی؛ و در پایان آن نوشته شده: تم الکتاب، والحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی سیدنا و آله الطاهرین، فرغ من کتابته الفقیر الی الله تعالی أحمد بن الحسن العومی یوم الأحد الرابع من العشر الأول من شهر شعبان المبارک، من سنة أربعین و سعمائة...»^{۲۸}

اینها همه آن نسخه‌هایی است که در نجف بر خود یا وصفشان اطلاع یافتیم.

می بینیم که در این دستنوشست‌ها ناهمسازی فراوانی در ضبط نام کتاب وجود دارد و این نام‌های چندگانه آمده است: فرق الشیعة، الفرق، مذاهب الفرق، تعدد فرق الشیعة، الفرق و المقالات، الفرق فی المذاهب و الفرق، الفرق بین الفرق؛ و سرانجام، و آن عنوان طولانی که در دستنوشست عومی - که مبنای چاپ نخست بوده - و در دستنوشست کتابخانه آیه الله حکیم - به شماره ۱۸۶۷ - آمده است.

آنگاه همه این دستنوشست‌ها - یا این دگرسانی در ضبط نام کتاب - در نسبت آن به حسن بن موسی نوبختی، همداستانند؛ این همداستانی از کجاست؟!

متأسفانه رونویسگران نگفته‌اند که در کتابت دستنوشست‌ها، چه چیزی را مبنا قرار داده‌اند؟ آیا همه دستنوشست‌ها بر پایه دستنوشست عومی - که پیداست تاریخش از همه این نسخ قدیم‌تر است - کتابت شده‌اند؟! اگر چنین است نسخه عومی خود بر پایه چه کتابت شده؟!

هنگامی که به متن کتاب چاپ شده به نام «فرق الشیعة» باز می گردیم، آن را از هر قرینه‌ای - ولو ضعیف - دال بر نسبت کتاب به نوبختی، تهی می یابیم!

چنان که در آغاز بحث اشارت نمودیم - این کتاب نخستین بار به اهتمام خاورشناس شناخته، ه. ریتز، و پیشگفتار سید هبه الدین شهرستانی چاپ شد؛ با آن که این دو تن چنان که می بایسته حق نسخه را گزارده‌اند و هر دو آوازه‌ای بلند دارند، مع الأسف هیچ یک در آنچه نوشته‌اند، دلیل و توجیهی برای نسبت کتاب به نوبختی نیاورده‌اند.

استاد اقبال می گوید: «این کتاب... از طرف ناشر محترم و آقای شهرستانی بدون آرایه هیچ سندی به ابومحمد نوبختی منتسب شده در صورتی که در خود کتاب نه اسم مؤلف آن مذکور است و نه عنوان کتاب. فقط کاتب نسخه متعلق به آقای ایس [نسخه مبنای چاپ کتاب] در پشت آن نوشته است: «فیہ مذاهب فرق اهل الامامة و أسماءها و ذکر مستقیمها من سقیمها و اختلافها تألیف ابی محمد الحسن بن موسی النوبختی» و علمای عراق هم که از نسخه کتابخانه مرحوم میرزای نوری نسخه‌ها برداشته‌اند، همه آن کتاب را فرق الشیعهی نوبختی دانسته و آن را به این اسم بین خود متداول کرده‌اند. آیا همین اشتراک موضوع نسخه موجوده

فن خود [پیشوائی بی معارض است - آشکارا از آن سخن گفته. از شرح حالی که نجاشی برای نوبختی نوشته، پیداست که وی عنایت بیشتری به مؤلفات نوبختی داشته است؛ چه، کتاب الازاء و الذیانات او را بر شیخ مفید خوانده؛ شماری انبوه از نگارشهای وی را بر شمرده که دیگر گذشتنگاران از آنها یاد نکرده‌اند؛ و از آن جمله است فرق الشیعه»^{۲۹}

فرق الشیعهی متداول

این متن متداول که دستنوشتهای متعدد هم دارد، پیش از آغاز این قرن - یعنی سده چهاردهم هجری - میان مؤلفان و راویان شناخته نبود. نخستین نسخه‌ای که شناخته شد، همانست که نزد مرحوم محدث نوری بود. سید هبه الدین شهرستانی - که بر متن چاپ شده مقدمه نوشته است - گوید: «از تألیف وی [= نوبختی] که موسوم به فرق الشیعه نسخه‌هایی متعدد دیده‌ام، و من نسخه‌ای را که در گنجینه استاد محمد حسین محدث نوری، متوفای ۱۳۲۰، یافتیم، برای خویش مختصر ساختم.»^{۳۰}

سید صدر گوید «و کتاب الفرق نسخه‌ای از آن نزد ماهست، و آن درباره فرقه‌های شیعه است»^{۳۱}.

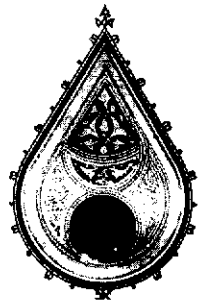
شیخ طهرانی، تحت عنوان «فرق الشیعه»، گوید: «گاه «مذاهب الفرق» نیز گفته می شود. این کتاب نزد من هست و به خط خویش استنساخ کرده‌ام؛ تاجائی که می گوید: «و آن کتابی است لطیف و جامع و پاکیزه و مورد اعتماد و اتکاء و نسخه‌ای از آن در کتابخانه راجه فیض آباد هند است»^{۳۲}.

دستنوشتی از این کتاب در کتابخانه «کاشف الغطاء» در نجف در مجموعه‌ای به شماره ۱۰۸۲ دستیاب می گردد. نام کتاب در آن دستنوشست چنین آمده است: «کتاب تعدد فرق الشیعة لشیخنا النوبختی رضی الله عنه». این اثر در صفحات ۲۱۳ تا ۲۷۰ از آن مجموعه جای گرفته است؛ یعنی در ۵۷ صفحه. در آن مجموعه، کتاب پیش از این اثر، تاریخ سال ۱۳۲۵ دارد، و در پایان کتابی که پس از این اثر قرار دارد، چنین نوشته شده است: «تمت الرسالة الرجالية فی الحائز الحسينية [کذا] علی مشرفها ألف الثناء و التحية، بیدالعاصی الجانی عبدالحمید الشریف الاصفهانی، فی شهر الرجب من شهر سنة ۱۳۲۴».

دستنوشتی دیگر در کتابخانه «کاشف الغطاء» در مجموعه‌ای به شماره ۶۷۹ هست که در صفحات ۱ تا ۴۴ واقع شده. در پایان آن چنین آمده است: «هذا آخر ما بلغنا من نسخة «الفرق و المقالات» تم بحمد الله، یوم الاثنین، علی یدراقمه الاحقر هادی خلف المرحوم الشیخ عبدعلی بن المرحوم الشیخ موسی آل الشیخ خضر، عفی عنهم، آمین».

دستنوشتی هم در کتابخانه «آیه الله حکیم» در نجف هست، در مجموعه‌ای به شماره ۱۸۶۷. نسخه در ۲۱ برگه از آغاز مجموعه واقع شده است. در صفحه نخستین آن آمده: «بسم الله الرحمن الرحیم، فیہ مذاهب فرق اهل الامامية و اسماءها و ذکر دلائل مستقیمها من سقیمها، و اختلافها و عللها، من تألیف الشیخ ابی محمد» این نسخه به خط پیشوای شناسا و محقق آوازه مند، شیخ الشریعة اصفهانی - رحمه الله -، است که آن را به سال ۱۳۲۶ هـ. کتابت نموده؛ و در پایان آن (ص ۴۱) آمده: «هذا آخر ما بلغنا من نسخة الفرق و المقالات».

دستنوشست دیگری در کتابخانه «آیه الله حکیم» در مجموعه‌ای به شماره ۱۰۳۷ به خط علامه شیخ محمد سماوی هست. در بالای صفحه نخست آن با مرکب سرخ آمده: «کتاب الفرق فی المذاهب و الفرق تألیف الشیخ الجلیل ابی محمد الحسن بن موسی النوبختی» و در پایان آن با



مطبوع با موضوع کتاب فرق الشیعی نوبختی کافی است که آن را با وجود جدید بودن نسخه‌های حاضر از نوبختی بدانیم و قطعاً حکم کنیم که این کتاب از اوست و از یکی از مولفین دیگری که در همین باب تألیفاتی داشته‌اند، نیست؟»^{۲۹}

ما در این پرسش با استاد اقبال هنبازیم.

این کتاب با عنوان «فرق الشیعة» پس از چاپ استانبول، بارها چاپ گردیده است. یکبار در نجف به سال ۱۳۵۵ در مطبعة حیدریه، و بار دیگر به سال ۱۳۷۹ در همانجا، و باز بار دیگر در همانجا به سال ۱۳۸۸ که چاپ چهارم باشد. علامه جلیل سیدمحمدصادق بحر العلوم بر چاپ‌های نجف تعلیقاتی افزوده است و ناشر توجه داده است که چاپ او براساس چاپ استانبول خاورشناس شناسا، ریتور، صورت گرفته است.^{۳۰}

چاپ دیگری نزد من هست که در پایین صفحه نخست آن آمده است: «أشرف علی تصحیحه ابراهیم الزینی - دارالفکر - بیروت»، و در آن هیچ ذکری از تاریخ و محل چاپ یا چاپخانه آن نیست ولی ظاهر آنست که چاپ بیروت باشد. این چاپ از روی چاپ استانبول حروفچینی گردیده با این تفاوت که نیمی از مقدمه را در پایان کتاب قرار داده‌اند، بی آن که هیچ اشاره‌ای بدین کرده باشند.

در پایان گفتنی است که علامه این فن، شیخ آقا بزرگ طهرانی، ذیل عنوان «فرق الشیعة للنوبختی» درباره چاپ‌های کتاب می‌گوید: «این کتاب فرق از روی نسخه‌هایی کهن مانند خط احمدبن الحسین العمومی در ۷۴۰ در استانبول (۱۹۳۱) چاپ شده، و در نجف به سال ۱۳۵۵، و در طهران به سال ۱۳۸۵ در حالی که به سعدبن عبدالله نسبت داده شده، تجدید چاپ گردیده است.»^{۳۱}

این سخن شیخ طهرانی نشان می‌دهد که وی به یگانگی این دو اثر، یعنی فرق الشیعی منسوب به نوبختی و المقالات و الفرق منسوب به اشعری، باورمند بوده و عقیده داشته که این اثر یکبار به نوبختی نسبت داده شده و به نام او چاپ گردیده، و بار دیگر به همین ترتیب به اشعری، این خود تأییدی بر نظریه یگانگی دو اثر است که خواهد آمد.

اشعری

او، سعدبن عبدالله ابن ابی خلف الأشعری القمی است.

نجاشی وی را اینگونه یاد کرده است: «بوالقاسم شیخ هذه الطائفة و فقیهها و وجهها»،^{۳۲} طوسی درباره او نوشته است: «جلیل القدر، واسع الأخبار، کثیر التصانیف ثقة»^{۳۳} و نام شماری از مؤلفات وی را آورده.

بر بنیاد گزارش‌هایی که علامه حلی آورده^{۳۴} وی به سال ۲۹۹ یا ۳۰۰ یا ۳۰۱ درگذشته است. شرح حال او در کافه معاجم رجالی و کتب تراجم و اعلام هست، و دکتر محمدجواد مشکور شرح حال مفصلی از او در پیشگفتارش بر کتاب المقالات والفرق^{۳۵} آورده و نام شماری از کتاب‌ها و مؤلفات وی را یاد کرده است.

کتاب اشعری درباره فرقه‌ها

شیخ طوسی^{۳۶} و همچنین ابن شهر آشوب^{۳۷} از این اثر اشعری به نام «مقالات الامامیة» یاد کرده‌اند. نجاشی چنین عنوانی نیاورده، بلکه کتابی به نام «فرق الشیعة» را از اشعری شمرده است.^{۳۸}

این کتاب نزد علامه مجلسی، صاحب البحار، بوده و او کتاب را به نام «کتاب المقالات والفرق و اسماءها و صنوفها، تألیف الشیخ الأجل المتقدّم سعدبن عبدالله رحمه الله» یاد کرده است.^{۳۹} وی در فصل توثیق مصادر بحار گفته: «و کتاب المقالات عده الشیخ و النجاشی من جملة کتب سعد، و آورد

آسانیدهما الصحیحة الیه، و مؤلفه فی الثقة و الفضل و الجلالة فوق الوصف و البیان، و نقل الشیخ فی کتاب الغیبة، و الکشی فی کتاب الرجال من هذا الكتاب»^{۴۰}.

از سخن مجلسی - که به کتب و شؤون طائفة خیبر است - چند نکته آشکار می‌شود:

نخست آن که آنچه نجاشی به عنوان «فرق الشیعة» یاد کرده، درست همانست که شیخ طوسی به عنوان «مقالات الامامیة» یاد نموده است و این همسو و، نام یک مسماً هستند؛ شناسای این فن، شیخ آقا بزرگ طهرانی، به این رأی گراییده است زیرا در الذریعه‌اش کتاب سعد را یکبار با عنوان «فرق الشیعة» و بار دیگر با عنوان «مقالات» یاد کرده است.^{۴۱} دوم آنکه عنوان ثبت شده در نسخه مجلسی - یعنی «المقالات و الفرق...» الی آخره - تنها توضیح موضوع کتاب است، ولی اثر یکی از همان دو نامی است که نجاشی و طوسی گفته‌اند.

سوم آنکه آنچه کشتی در کتاب رجال از بعض اهل علم نقل کرده، همانند از این کتاب سعد، یعنی المقالات منقول است. این نکته وقتی که ما آورده‌های کشتی را حرف به حرف با آنچه در مقالات آمده مطابق می‌یابیم، مورد تأکید قرار می‌گیرد. در اینجا مواردی چند برای سنجش به دست می‌دهیم:

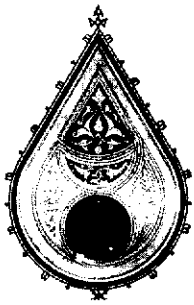
۱- در تعریف الفطحية: أصحاب عبدالله الأقطع.^{۴۲}
۲- در تعریف البشیریة: أصحاب محمدبن نصیر الاسدی؛^{۴۳} در این مورد کشتی روایتی آورده که مؤلف المقالات، سعدبن عبدالله اشعری، در سند آن جای دارد.

۳- در شناخت عبدالله بن سبأ که فرقة «سبائیة» به وی منسوب است.^{۴۴}
۴- در شناخت محمدبن نصیر نمیری که فرقة «نصیریة» به وی منسوب است.^{۴۵}

پس از سنجش و تطبیق آشکار می‌شود که کشتی - اگرچه عبارتش مطابق نص موجود در المقالات است - به نقل از کتاب اشعری تصحیح نکرده، بلکه کلامش را حتی آشکارا به سعد نسبت نداده، مگر با عنوانی مشابه مثل «بعض اهل العلم». تنها - چنان که اشاره کردیم - در مورد دوم در سند روایتی که آورده به نام «سعد» تصریح نموده است. ظاهر این تصریح نشان‌دهنده «نقل شفاهی» است، هرچند این احتمال هم هست که کشتی به واسطه ابن قولویه از کتاب سعد نقل کرده باشد.

از گفتار علامه مجلسی چنین در می‌یابیم که کشتی از اصل کتاب اشعری، یعنی المقالات بهره برده است. استاد اقبال نیز در این باب تردیدی ندارد و می‌گوید: «از مقایسه آن مطالب [= منقولات کشتی] با مطالبی که شیخ طوسی از کتاب سعد بن عبدالله گرفته واضح می‌شود که آن نیز منقول از کتاب اشعری است»^{۴۶} و این از آن روست که منقولات طوسی - چنان که بیاید - بی‌تردید برگرفته از کتاب اشعری است.

حال تنها یک نکته باقی می‌ماند و آن اختلاف اندکی است که میان منقولات کشتی و متن موجود در مقالات، می‌بینیم. استاد اقبال در این باره، اینگونه پاسخ داده است: «اگر اندک اختلافی از جهت کمی یا زیادی عبارت موجود است نباید زیاد باعث تعجب شود زیرا که عبارات ساقطه یا زائده هیچکدام نه از اصل مطالب چیزی کاسته و نه بر مضمون چیزی افزوده است... بلکه غالب آنها جمل مترادفی است که عین مطالب سابق را با عبارتی دیگر تکرار می‌کند یا مضمون کتاب اصلی را در عبارتی غیر از عبارت آن می‌پردازد و این‌گونه تصرفات از طرف ناقلین یا ناسخین معمول بوده»^{۴۷}.



و اما نسبت متن چاپ شده به اشعری، مستند به دو قرینه است: نخست قرینه‌ای بیرونی که همان نصوصی باشد که کشتی و طوسی در کتابهایشان آورده‌اند و دانستیم که این دو تن بر کتاب اشعری تکیه داشته‌اند. این نصوص در متن چاپ شده، عیناً و بدون تفاوت دستیاب می‌شوند، و البته پاره‌ای اختلافات در برخی کلمات و تقدم و تأخر بعضی حروف وجود دارد که قطعاً به اصل مطلب زبانی نمی‌رساند و پیدایی مانند اینگونه اختلافات در دستنوشته‌های چندگانه کتابی واحد هم متعارف است. دوم قرینه‌ای درونی که همانا اشتغال متن چاپ شده بر روایت از محمدبن عیسی بن عبید، معروف به «عبیدی» و «یقطنی» است. چه، نقل از وی در مقالات در دو مورد به عنوان «حدثنی» است که نشانگر نقل شفاهی مستقیم می‌باشد،^{۵۵} و در دو مورد دیگر به عنوان «حکی» است که این هم نشانگر نقل بلاواسطه از اوست.^{۵۶}

و این مرد، استاد اشعری، مؤلف مقالات است، بل از کسانی است که مشهورند که سعد از ایشان روایت می‌کند. روایت از او در کتاب سعد، بصائر الدرجات^{۵۷} و در الغیبه طوسی^{۵۸} وارد گردیده است. کافه رجالین سرگذشت او را یاد کرده‌اند.^{۵۹}

همچنین در این کتاب، المقالات از یحیی بن عبدالرحمن بن خاقان روایت وارد شده.^{۶۰} اگرچه سرگذشت این مرد در معارج رجالی نیامده، ولی او در طبقه‌ای است که روایت کردن سعد از او محتمل هست؛ چه، کلینی در کافی روایتی از علی بن ابراهیم، و او از این مرد آورده است.^{۶۱} با این دو قرینه، در نسبت کتاب چاپ شده، به نام المقالات و الفرق به سعدبن عبدالله اشعری یقین می‌کنیم.

سنجش میان دو کتاب

برای سنجیدن این دو کتاب، گزیری از بازگفتن رویه‌های همسانی و ناهمسانی میان آنها نیست. دکتر مشکور در این باب می‌گوید: «دو کتاب فرق الشیعهی نوبختی و الفرق و المقالات اشعری، دو کتابی هستند که از میان کتابهای فرق الشیعه از میان رفته به دست ما رسیده‌اند و در مطالبشان و همچنین در اسلوب تنظیمشان به طور عمومی تشابهی هست. مارویه‌های جدایی و ناهمسانی میان این کتاب [یعنی کتاب اشعری] و کتاب نوبختی را از جهت عبارات در پایان هر صفحه نشان داده‌ایم، لیک کتاب اشعری دارای اضافاتی کلی بر کتاب نوبختی، و فرق الشیعهی نوبختی دارای پاره‌ای اضافات جزئی [بر کتاب اشعری] است.» وی سپس سیاه‌های از جایگاه‌های ناهمسانی دو کتاب را، از حیث افزایش و کاهش، آورده، و روشن کرده است کتاب اشعری حدود سی صفحه بر کتاب نوبختی افزونی دارد.^{۶۲}

وی همچنین در مقاله‌اش گفته که: «متن دو کتاب از حیث ابواب و توالی بحثها، و حتی از حیث عبارات، یکسان است، و آشکارست که یکی ماخوذ از دیگری است. فرق میان آنها اینست که المقالات و الفرق سعدبن عبدالله - در بسیاری از موارد - اضافاتی بر فرق الشیعهی نوبختی دارد، و مجموع این اضافات به سی صفحه می‌رسد.»^{۶۳}

آنچه اکنون نگریم است مانندگی فراوان این دو کتاب است چنان که به پژوهنده می‌نماید که این دو، دست نوشته‌هایی از کتابی واحد هستند، یا هر دو به اصلی یگانه بازمی‌گردند؛ یا تحریف و مختصر شده و به صورتی درآمده که منسوب است به نوبختی؛ یا بر آن افزوده و تنظیمش کرده‌اند و آن شده که منسوب است به اشعری.

استاد اقبال در این باره می‌گوید: «بوالقاسم اشعری و ابومحمد نوبختی معاصر هم بوده‌اند و تقریباً در یک زمان، یعنی هر دو محققاً در عسره اول از

تازه این سخن استاد اقبال، در مقام تطبیق منقولات با متن فرق الشیعهی چاپ شده به نام نوبختی است که وی می‌پنداشت آن متن اصل کتاب مقالات اشعری است؛ حال اگر ما آن منقولات را با متن موجود از مقالات اشعری تطبیق دهیم، درستی این کلام بوضوح تبیین می‌گردد، زیرا اختلافات تا حد زیادی کم و محدودتر می‌شود.

با این سنجش، می‌توانیم گفت که نسخه مقالات اشعری نزد کشتی موجود بوده و او در کتاب رجال بر آن تکیه کرده است.

همچنین استاد شیخ طوسی در کتاب الغیبه‌اش، وی در آن کتاب گفته: «قال سعد بن عبدالله: کان محمد بن نصیر النمیری یذعی أنه رسول نبی...» و تا پایان آنچه را در مقالات آمده، آورده است.^{۶۴}

از کتب مجلسی - که پیشتر آمد - در می‌یابیم که طوسی بر کتاب مقالات تکیه کرده و از آن نقل نموده است. استاد اقبال هم چنین می‌گوید و دلیل می‌آورد که طوسی در کتاب خود با لفظ «قال سعد» نقل کرده، و نگفته است: «روی عن سعد» و «أخبرنی فلان عن سعد»؛ و تعبیر نخست نشان می‌دهد که نقل مستقیم از کتاب سعد صورت گرفته، نه از طریق واسطه‌ای شفاهی.^{۶۵}

بدین ترتیب، همچنین می‌توانیم گفت که نسخه مقالات نزد طوسی موجود بوده و او بر آن تکیه نموده است.

نسخه‌های مقالات

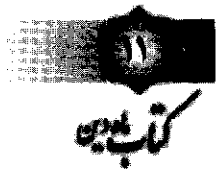
دانسته شد که المقالات نزد پیشینیان از اعلام طائفه شناخته شده بوده و نزد علامه مجلسی هم بوده و وی بر آن اعتماد کرده و نسبت آن را درست دانسته است.

در باره نسخه‌های موجود فعلی کتاب، علامه فن، شیخ طهرانی، می‌گوید: «دستنوشتی از آن نزد سلطان علی سلطانی بیهانی، وکیل مجلس در طهران، و دستنوشتی دیگر نزد سیدمحمد محیط هست.»^{۶۶} من بنده تاکنون به ذکر دستنوشته دیگری از این اثر باز نخورده‌ام.

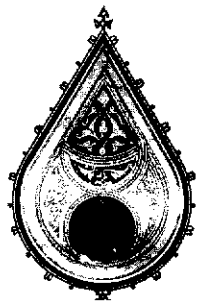
دستنوشته سلطانی همانست که دکتر محمدجواد مشکور بر آن دست یافته و چاپ نخست کتاب را در سال ۱۹۶۳ م. به نام «المقالات والفرق» بر میان آماده‌سازی کرده و احتمال داده این همان دستنوشته باشد که نزد مجلسی بوده است. دکتر مشکور دستنوشته را اینگونه وصف کرده است: «نام آن پشت صفحه نخستین چنین آمده: کتاب المقالات و الفرق و أسماءها و صنوفها و ألقابها، تصنیف سعدبن عبدالله بن ابی خلف الأشعری القمی»؛ سپس می‌گوید: «دستنوشته تاریخ ندارد، اما خط آن تازه نیست، و می‌توان تخمین زد که تاریخ کتابت آن به سده دهم هجری بازگردد.»^{۶۷} دکتر محمدجواد مشکور کتاب اشعری را به شکلی زیبا سامان داده، از جستارهایی سزآمد برخوردار ساخته و پیشگفتاری دراز دامن در آغاز آن قرار داده است؛ یادداشت‌هایی برگرفته از منابع مختلف بر متن تعلیق کرده و آخر کتاب را از ص ۱۱۸ تا ۲۵۲ به تعلیقات اختصاص داده و کار خود را با فهرست‌های علمی به فرجام رسانیده است؛ از این راه خدمت دیگری به جامعه علمی نموده که درخور یادکرد و سپاسگزاری است.

گفتنی است که دکتر مشکور در مورد کتاب فرق الشیعهی منسوب به نوبختی هم بذل همت کرده و آن را به فرانسه ترجمه کرده که در پنج شماره از مجله تاریخ ادیان در پاریس به چاپ رسیده است.^{۶۸}

دکتر مشکور درباره این کتاب، هم‌رای شیخ زنجانی است، و در مقدمه المقالات^{۶۹} و نیز در سخنرانی‌ای که در یادبود هزاره شیخ طوسی در دانشگاه ایراد کرده،^{۷۰} به بحث از آن پرداخته است.



کتابچه



مائه چهارم هجری وفات یافته‌اند. اگر این دو دانشمند از کتابهای یکدیگر اطلاعی نداشته‌اند و کتاب حاضر [یعنی فرق الشیعه] از نوبختی است، پس این اتحادی که بین مضمون و عبارت کتاب نوبختی و مطالب و عبارات منقوله از اشعری موجود است چیست؟ آیا نوبختی مطالب کتاب اشعری را بدون ایراد سند عیناً برداشته و با آن وسعت علم و اطلاع و احاطه بر فنون مختلفی کلام و حکمت و ادب و ملل و نحل به این عمل [یعنی اقتباس از اشعری بی‌آنکه اشاره‌ای به او بکند] که از نوع سرقات ادبی است مبادرت ورزیده است؟ و یا آنکه اشعری که از فقها و محدثین معتبر شیعه و متشاء نقل بسیاری از روایات فرقه امامیه است برخلاف طریقه مطرده روایت مطالب کتاب نوبختی را عیناً گرفته و از بردن نام او و تالیفش که هیچکدام نیز پیش علمای این فرقه مجهول نبوده، خودداری کرده است؟

به فرض صحت هر یک از این دو شق، باید آن کسی را که مرتکب برداشتن عین مطالب کتاب دیگری بدون تصریح به نقل شده، سارق دانست، و ساحت نوبختی و اشعری - که هر دو در فن خود از فضایی ذی‌شان بوده‌اند - از این نسبت زشت بری است و با نسبت دادن کتاب فرق الشیعه حاضر به اشعری احتیاج به هیچیک از دو فرض فوق پیدا نمی‌شود.^{۶۴}

استاد اقبال چون از کتاب مقالات اشعری آگاهی نداشت، معتقد بود که فرق الشیعه چاپ شده در استانبول، همان کتاب اشعری است؛ ولی ما که اثبات کردیم مقالات چاپ شده، همان متن کامل نوشته اشعری است، نمی‌توانیم بپذیریم که فرق الشیعه از اوست، بل - چنان که بیاید - معتقدیم این اثر مختصری برآمخته است از کتاب اشعری؛ و با استاد اقبال همدانسانیم که این اثر از نوبختی نیست.

نگریستن است شیخ الاسلام زنجانی - که از معتقدان به صحت انتساب فرق الشیعه به نوبختی است در عقیده خود ناهمسانیهای موجود میان فرق الشیعه و نصوص کتاب اشعری را گواه می‌گیرد، لیک وی جانب همسانی موجود میان آنها را فرو می‌گذارد و جنبه یگانگی را رها می‌کند. در این باب می‌گوید: «چون ابو محمد نوبختی و سعد بن عبدالله قمی اشعری هر دو معاصر بوده‌اند از خود همین عبارتها [ی] منقول از کتاب اشعری و موجود در فرق الشیعه چاپ شده] هم می‌توان استکشاف نمود که کتاب فرق الشیعه [مقالات] سعد در تالیف متاخر از تالیف نوبختی و کتاب فرق الشیعه حاضر است، چه مرسوم است در تالیف متاخر غالباً در نقل عبارت از مؤلف متقدم قدری تصرفات و اضافات حاصل می‌شود.»^{۶۵} دکتر مشکور نیز همین ادعا را دارد^{۶۶}، اما بی‌تنبه و برهانی بر این ادعا نیست؛ زیرا به قول استاد اقبال:

۱. هیچ سندی در دست نداریم که تالیف کتاب نوبختی مقدم بر تالیف اشعری باشد؛ افزون، این که این دو معاصر بوده و هر دو امور آن زمان را درک کرده‌اند؛ چه علت دارد که وقایعی را که در حیات ایشان اتفاق افتاده یکی از دیگری نقل کند، در جایی که خود دیده و در آن زمان زیسته است؟

۲. چه علت دارد سعد بن عبدالله عین عبارت نوبختی را بدون هیچگونه اشاره‌ای به متشاء آن به خود نسبت دهد و تازه اگر چنین باشد، اعلام فن مانند نجاشی و طوسی - ملتفت آن نشوند؟^{۶۷}

۳. اگر سعد - با تصریح یا بدون تصریح - کتاب نوبختی را نقل کرده باشد، علتی وجود ندارد که کشی و طوسی مستقیماً از نوبختی نقل نکنند؛ در جایی که نوبختی در این فن در غایت شهرت است و - بنا بر فرض - ماخذ سعد در کتابش بوده.^{۶۸}

باری، این سنجش میان دو کتاب دو نتیجه در بر داشت:

نخست آنکه اختلاف [اساسی] میان دو کتاب، فزونی کتاب اشعری است بر کتاب نوبختی. این فزونی حدود سی صفحه برآورد می‌شود و دکتر مشکور این را دلیلی بر دوگانگی گرفته است.

دوم رویه‌های ماندگی میان دو اثر، حتی در نظم و اسلوب و در بسیاری از جمله‌ها و مقاطع، این از مواردی است که ما در رای خودمان چنان که بیاید - بدان استناد می‌کنیم. این که علامه فن، استاد ما شیخ طهرانی کتاب فرق الشیعه منسوب به نوبختی را نسخه‌ای از کتاب مقالات اشعری به شمار می‌آورد و معتقد بود که این کتابی است و یکنبار به نام فرق الشیعه و منسوب به نوبختی، و بار دیگر به نام مقالات و الفرق و منسوب به سعد چاپ شده است، خود مؤکد این امر است.^{۶۹}

پیش از یادکرد رای خودمان در این بحث، ناگزیریم ادله طرفین را بیاوریم.

استاد اقبال در نفی انتساب اثر به نوبختی به اموری چند استناد می‌کند. نخست: نبود هیچگونه قرینه درونی یا بیرونی که نشانگر انتساب متن چاپ شده، به نوبختی باشد، جز وجود نام او در نسبت نوشته‌ها که همگی جدید هستند و اعتمادی به آنها نیست، و همین نکته را در بچمان درباره دست نوشته‌های کتاب روشن ساختیم.

دوم: مطابقت مطالب موجود در فرق الشیعه چاپ شده با منقولات کشی و طوسی از اشعری؛ پیش ازین آمد که نسبت منقولات این دو تن به کتاب اشعری استوار است.

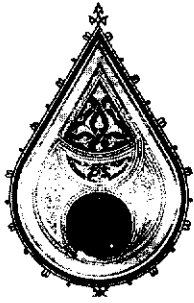
سوم: منقولات مفید از نوبختی - در مورد افتراق شیعه پس از وفات امام حسن عسگری - علیه‌السلام به چهارده فرقه^{۷۰} یا آنچه در فرق الشیعه چاپ شده، موجود است، مطابقت ندارد؛ و از این رو متن چاپ شده از نوبختی نیست.

استاد اقبال، تفاوت میان مطالب منقول از سعد و آن چه در فرق الشیعه چاپ شده موجود است، نشان می‌دهد و در سخنی که جامع ادله اوست، می‌گوید: «آنچه ما در جداول از طوسی و کشی نقل کردیم، قطعاً از سعد بن عبدالله اشعری منقول است و آنچه از متن مطبوع نقل کردیم از عبارت و مضمون با آن یکی است و هیچ قرینه یا اشاره‌ای هم به انتساب به نوبختی در آنجا نیست؛ چه علتی دارد که کتاب را از سعد بن عبدالله ندانیم و آن را از تالیفات ابو محمد نوبختی بشماریم؟»^{۷۱}

شیخ زنجانی دومین دلیل اقبال را اینگونه رد کرده است: «شیخ مفید تصرفی در عبارت کتاب [یعنی عبارتی که از کتاب نوبختی نقل کرده] نموده و عین نص کتاب را به جهت طولش نقل ننموده به این معنی که اولاً فرقه امامیه اصلیه را که در کتاب نوبختی در تعداد فرقه دوازدهم است بجهت اهمیتش پیش انداخته و مقالات آنها را موافق مذهب امامیه از خودش تقریر نموده، بعد از آن فرق دیگر را با همان ترتیب و سیاق کتاب نوبختی با تلخیص و تصرف از خودش ایراد نموده که به تامل درست خواهد شد.»^{۷۲}

استاد اقبال این رد را چنین پاسخ گفته است: «اما اختلافاتی را که بین عبارت شیخ مفید در الفصول المختارة من العیون و المحاسن و متن فرق الشیعه چاپی و عدم ترتیب فرق چهارده گانه را که در دو کتاب موجود است، ما دلیلی واضح می‌گیریم بر اینکه فرق الشیعه چاپی از اشعری است نه از نوبختی. چه آن اتحادی که بین مطالب منقوله به توسط کشی و شیخ طوسی و فرق الشیعه چاپی موجود است بین عبارت شیخ مفید و عبارت مؤلف فرق الشیعه حاضر موجود نیست.





مطلبی معتقد باشد، ملاحظه همانندی فراوان میان نسخه کتاب اشعری و نسخه فرق الشیعه، او را ملزم می‌سازد که متن کتاب المقالات را به نوبختی منتسب دارد!

غریب آن است که دکتر مشکور که خود بر چاپ المقالات اشراف داشته و آن را با فرق الشیعه سنجیده است، به چنین ادعایی دست یازد، چگونه ممکن است هم به این ادعا معتقد باشد و هم اعتقاد داشته باشد که کتاب المقالات - که به زعم وی بر همان اسلوب است و تنها در فزونی با فرق الشیعه تفاوت دارد - از یک محدث فقیه است که همان سعد بن عبدالله اشعری باشد؟!

دوم: این که دکتر مشکور از فزونی المقالات نسبت به فرق الشیعه سخن می‌گوید و آن را نشان دوگانگی این دو اثر می‌داند. وی می‌گوید: «این کتاب [یعنی المقالات] در هر صفحه سطوری نه چندان اندک‌شمار بر کتاب نوبختی، یعنی فرق الشیعه چاپ شده، افزون دارد»^{۷۸}

ما می‌گوییم: آیا صرف فزونی مقدار [سطور] صفحات یک نسخه بر نسخه دیگر، نشان آنست که اینها تالیف دو شخص متفاوت‌اند؟ و ماندگی آن دو را و تطابق تامشان را در عبارات، در صفحات مشترک، و همچنین نظم مواضع و اسلوب و دیگر رویه‌های همانندیشان را - که مقتضی یگانگی است - به کنار می‌زند؟

آری، ناهمسانی میان دو متن در فزونی و کاستی، مقتضی این عقیده است که متن ناقص، مختصر شده متن کامل است.

رای ما

در پایان اعتقاد خود را درباره این کتاب می‌آوریم. باور ما اینست که این اثر تالیف نوبختی نیست و تنها نسخه‌ای است مختصر شده از کتاب اشعری که بنا بر دست به نوبختی نسبت داده شده است.

این رای، ناشی از این قرائن است:

قرینه نخست: همسانی اختلاف نسخ

می‌دانیم که گاه دست نوشته‌های متعدد یک کتاب در برخی عبارات اختلاف دارند، و عبارت از یک نسخه به نسخه دیگر فرق می‌کند. این در نظر کسانی که اهل کار با نسخ خطی هستند، عادی و شناخته شده است؛ اما در مورد دو کتاب مختلف از دو مؤلف مختلف، وجهی ندارد که اختلاف نسخ این دو کتاب به شکل واحد و همسان باشد، لیک این چیزی است که در فرق الشیعه و مقالات اشعری رخ داده و ما اختلاف نسخه‌هایی را که در برخی کلمات مقالات می‌یابیم، بعینه در همان کلمه از فرق الشیعه نیز می‌بینیم.

این وضع، نیرودهنده گمان ماست مبنی بر این که هر دو اثر، کتابی واحد از مؤلفی واحد باشند، نه دو کتاب از دو مؤلف. من تنها فرصت مطابقت صفحاتی از دو کتاب را داشتیم و در اینجا سیاهه‌ای از بعضی موارد را می‌آوریم. در این سیاهه بر نسخه چاپ شده مقالات و نسخه فرق الشیعه چاپ شده به سال ۱۳۸۸ در نجف - که چاپ چهارم است - تکیه کرده‌ام. شما این موارد را بسنجید:

۱. تعلیقه شماره ۱ ص ۳۰ از فرق الشیعه، با تعلیقه شماره ۴ ص ۹ از مقالات.

۲. تعلیقه شماره ۲ و ۳ ص ۳ از فرق با تعلیقه شماره ۱ ص ۱۰ از مقالات

۳. تعلیقه‌های شماره ۵ و ۶ و ۷ ص ۲۳ از فرق، با تعلیقه شماره ۱ و ۲ ص ۱۲ از مقالات.

علاوه بر کمال اختصار عبارت شیخ مفید که چه از حیث متن و چه از حیث تعداد فرق - که بر ترتیب دیگری است - با متن چابی سازگار نیست، بعضی مطالب اضافی بر فرق الشیعه چاپی دارد. ما اینجا به تفاوت‌های عمده‌ای که بین عبارت منقوله شیخ مفید از نوبختی و عبارت فرق الشیعه چاپی موجود است، اشاره می‌کنیم:

۱. ذکر فرقه نخست = فرقه دوازدهم در فرق الشیعه چاپی.

۲. ذکر فرقه چهارم = فرقه سوم در فرق الشیعه

۳. ذکر فرقه پنجم = فرقه چهارم در فرق الشیعه

۴. ذکر فرقه هفتم = فرقه ششم در فرق الشیعه^{۷۹}

ما می‌گوییم: این سنجش، نفی انتساب فرق الشیعه چاپ شده را به نوبختی ثابت می‌کند، زیرا ظاهر کلام مفید نشانگر نقل بدون تصرف است از نوبختی.

گیریم مطلب نقل مفید را با ماخذش نپذیریم، بلکه بپذیریم که وی در نقل تصرف کرده است؛ نهایتاً این نقل، بر وجود کتابی از نوبختی دلالت می‌کند در موضوع فرق، که مفید از آن نقل کرده؛ در این مطلب بحث و نزاعی نیست. اما بر این که ماخذ مفید، همین متن چاپ شده به نام فرق الشیعه باشد، دلالتی در کلام مفید - مادام که عبارت آن با متن کتاب اختلاف داشته باشد - نمی‌توان یافت و صرف یاد کرد فرقه‌های چهارگانه در متن چاپ شده بسنده نیست، چون چه بسا مفید از کتابی دیگر در میان کتابهای نوبختی - که در این موضوع بسیار هم هستند - استفاده کرده باشد. شیخ زنجانی دلیل سوم اقبال را اینگونه رد کرده است: «آنچه کشی نقل نموده... که به نظر می‌آید عین عبارت همین کتاب (یعنی فرق الشیعه چاپی) است، با موازنه و تطبیق دو عبارت معلوم می‌شود که اختلافی بین مابین آنها موجود است... و هكذا عبارت منقوله در غیبت شیخ طوسی... باز اختلافی با این کتاب (فرق الشیعه) دارد.»^{۸۰}

استاد اقبال در پاسخ گفته که اختلاف در اینجا ناشی است از ناقلان از کتاب سعد.^{۸۱}

ما می‌گوییم: ناهمسانیهای منقولات کشی و طوسی با فرق الشیعه از جهت و مبنی بر اختصار است، و اگر با آنچه در نسخه مقالات آمده، سنجیده شود، نزدیکی میان فرق الشیعه و این منقولات آشکار می‌گردد و معلوم می‌شود که ناهمسانی بسیار کم است.

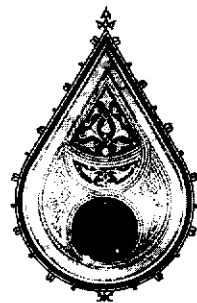
افزون بر این میان منقولات کشی و طوسی از سعد و خود کتاب سعد هم، اختلاف وجود دارد.

شیخ زنجانی و دکتر مشکور در مورد نظرشان حول درستی انتساب فرق الشیعه چاپ شده به نوبختی، به دو دلیل استناد کرده‌اند.

نخست: آنچه زنجانی بدین صورت بیان کرده است: «سبب عبارت کتاب حاضر [یعنی فرق الشیعه]... می‌رساند که نفس نفس شخص متکلم است مثل نوبختی، نه کلام شخصی فقیه و محدث مثل سعد بن عبدالله اشعری»^{۸۲}

و استاد اقبال نظر وی را چنین رد کرده است: «این... به نظر این جانب دلیلی قاطع نیست، چه فقهای آن ایام که دوره مجادله و مناظره بوده، گاه‌گاهی در مقابل خصم خواهی‌نخواهی این لحن را اختیار می‌کرده‌اند. چنان که شیخ صدوق در قسمت اول از کتاب کمال‌الدین و تمام النعمه مثل یک نفر متکلم امامی داخل در رد اقوال خصم و مناظره با ایشان شده است.»^{۸۳}

ما می‌گوییم: پس از دستیابی به متن کتاب اشعری، ادعای شیخ زنجانی دیگر بدان حال نیست؛ اگر هم یک مدعی را برسد که به چنین



۴. تعلیقه شماره ۲ ص ۳۴ از فرق، با تعلیقه شماره ۵ ص ۱۲ از مقالات.

۵. تعلیقه شماره ۴ و ۵ ص ۳۷ از فرق، با تعلیقه شماره ۱ و ۲ ص ۱۶ از مقالات.

۶. تعلیقه شماره ۱ ص ۳۹ از فرق، با تعلیقه شماره ۶ ص ۱۷ از مقالات.

۷. تعلیقه‌های شماره ۱ و ۲ و ۳ ص ۴۰ از فرق، با تعلیقه‌های شماره ۳ و ۴ و ۵ ص ۲۰ از مقالات.

قرینه دوم: پریشانی در فرق الشیعة

فرق الشیعهی چاپ شده، افزون بر سستی تعبیر در بسیاری از مواضع و خروج از پردازش یکدست عبارات که اقتضای تالیف کتاب واحد است، در بردارنده پارامی مطالب ناپذیرفتنی است که خاستگاهشان اختلاف در آراء نمی‌تواند باشد؛ بلکه خطاهایی هستند که به هیچ روی قابل توجیه نیستند. با این نادرستیهای آشکار، کتاب را نمی‌توان به نوبختی نسبت داد که از اعلام فن، بل آوازه‌مندترین نویسندگان آن به‌شمار می‌رود و - چنان که نجاشی می‌گوید^{۶۳} - بر آقران خویش در این باب برتری داشته است.

حال آنکه همین مطالب را - با تغییری اندک - در مقالات اشعری موجود و دارای معنای مفهوم و صحیح می‌یابیم.

این وضع، گمان مقتبس و برگزیده بودن فرق الشیعه را از مقالات نیرو می‌بخشد.

اینک برخی از مواضع یاد شده را بنگرید:

۱- در فرق الشیعه به هنگام یاد کرد ائمه زیدیه آمده است: «فمن خرج مستحقاً للامامة فهو الامام»؛^{۶۴} این سخن بهنجار نیست؛ چون مفروض در مذهب زیدیان آنست که ایشان «خروج» را نشانه‌ای برای «استحقاق امامت» می‌شمرند؛ پس معنی ندارد که بگوئیم امام هنگامی که خروج کرد و مستحق امامت بود، آنگاه امام است؛ زیرا در این سخن، ما حق امامت را پیش از خروج از آن او دانسته‌ایم، ولی زیدیان شناخت استحقاق را از رهگذر خود «خروج» می‌دانند. حال عبارت اشعری در مقالات این است: «فمن خرج منهم و شهر سیفه و دعا الی نفسه فهو مستحق للامامة»^{۶۵}.

۲- در فرق الشیعه در یادکرد اندیشه‌های زیدیان آمده است: «وهاتان الفرقتان هما اللتان ینتحلان أمر زید بن علی بن الحسین، و أمر زید بن الحسن بن علی»^{۶۶}؛ خطا اینجاست که زید دوم فرزند حسن سبط - علیه‌السلام - نیست بلکه او، زید بن الحسن المثنی بن الحسن السبط بن الامام علی - علیه‌السلام - است، و این همان چیزی است که در مقالات آمده است.^{۶۷}

۳- در فرق الشیعه به هنگام یادکرد مدت امامت امام حسین - علیه‌السلام - آمده است: «و کانت امامته ست عشرة سنة و عشرة أشهر و خمسة عشر يوماً». این خطای آشکاری است؛ زیرا در این کتاب پیش از این آمده که وفات امام حسن - علیه‌السلام - در صفر سال ۴۷ هجری بوده و شهادت امام حسین - علیه‌السلام - در محرم سال ۶۱ هجری رخ داده است؛ پس مجموع امامت امام حسین - علیه‌السلام - سیزده سال و ده ماه و چند روز بوده است؛ و این همانست که اشعری در مقالات بیان کرده.^{۶۸}

در آنچه از فرق الشیعه آوردیم، همه نسخه‌های خطی با نسخه‌های چاپی، همداستان‌اند.

قرینه سوم: جمله «لیس من الأصل»

در فرق الشیعهی چاپ شده، نسب مادر هادی خلیفه عباسی، خیزران دختر منصور، یاد شده و در پایان آن این کلمات آمده: «الی زیاده لیس من

الأصل».

این جمله در همه نسخ فرق الشیعه موجود است. ص ۲۶ چاپ استانبول، ص ۷۲ چاپ سوم نجف، ص ۶۵ چاپ چهارم نجف.

در نسخه‌های خطی: ص ۲۹ از نسخه کاشف الغطاء به شماره ۱۰۸۲ و ص ۲۱ از نسخه شماره ۶۷۹ اش، و ص ۲۰ از نسخه آقای حکیم به شماره ۱۸۶۷، و ص ۳۰ از نسخه شماره ۱۰۳۷ اش.

آنچه ابتدائاً از جمله یاد شده مستفاد می‌گردد، این است که همانا نسخه چاپ شده فرق الشیعه خود فرع نسخه دیگری است؛ اما آیا مراد از کلمه «الأصل» نسخه اصلی‌ای است که کتاب از روی آن استنساخ کرده یا مراد آن اصل است که این کتاب مختصر شده آن می‌باشد؛ راهی برای مطمئن شدن از یکی از این دو پاسخ نداریم؛ لیک در اینجا قرینه‌ای هست که منظور نظر ما را اثبات می‌کند:

وقتی به نسخه مقالات اشعری رجوع می‌کنیم، این جمله زائد را در آن نمی‌یابیم.

اکنون این سنجش بر چه دلالت می‌کند؟

ما این را یک قرینه درونی آشکار به حساب می‌آوریم مبنی بر آنکه نسخه مقالات همان اصل فرق الشیعه بوده است؛ با این تفاوت که نسب یاد شده در مقالات هم موجود است ولی در این کتاب به «عرب بن قحطان» منتهی می‌شود؛ در مقابل در فرق الشیعه پس از آن آمده است: «قحطان بن زیادة بن البسع بن الهمیسع... (الی آخره)».

می‌گوئیم: «قحطان» اصل تازیان یمن است و قحطانیه به وی منسوب‌اند. درباره نام پدرش دو قول وجود دارد.

نخست: آنچه جمهور بر آن‌اند؛ یعنی «عرب بن صالح».

دوم: قول برخی که «الهمیسع بن سلمان» می‌گویند.

این در تعلیقه‌ای بر کلمه «قحطان» از شجره نسب عرب کتاب نویسی آمده است؛^{۶۹} و از اینجا دانسته می‌شود اینکه در فرق الشیعه، «قحطان بن زیادة» آمده قطعاً نادرست است.

برای بنده روشن است که آنچه بعد از کلمه «قحطان» در فرق الشیعه آمده، همانا «من زیادة» است [نه «بن زیادة»] و مقصود از آن اینست که زیادت از اینجا آغاز می‌گردد؛ مقابل آن هم عبارت «الی زیادة» است که در پایان نسب آمده. استعمال این عبارت نزد کاتبان و ناسخان پیشینی متعارف بوده است و با آن به ابتدای مواضع زیادت در نسخه‌ها اشاره می‌کرده‌اند.

چون نسخ مقالات از کلمه «قحطان» بیشتر ندارند، زیادت نسب در فرق الشیعه از مابعد آن آغاز گشته؛ و مقالات همان اصل فرق الشیعه و این کتاب طبعاً مختصر و برگرفته‌ای از آن است.

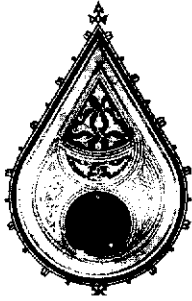
شگفت است دکتر مشکور - که به طبع کتاب مقالات و مقابله‌اش با فرق الشیعه اهتمام کرده‌اند - از مدلول این جمله غفلت نموده و متوجه این قرینه نشده‌اند.

حال آنکه استاد اقبال - که نسخه مقالات را ندیده بوده است - این قرینه را پیش‌بینی کرده و چنین گفته است: «کتاب فرق الشیعه چاپی که بلبخانه نسخه کهنه‌ای از آن در دست نیست، اگر کسی آن را بدقت ملاحظه کند می‌بیند که علاوه بر تحریفات و اغلاطی که در آن راه یافته، مثل نسخه دست دومی است که کسی آن را از روی اصل کتاب برای خود ترتیب داده»^{۷۰}

قرینه چهارم - که قرینه‌ای بیرونی است :-

تشابه بسیار میان این کتاب و آنچه پیش ازین یاد کردیم، نیرودهنده گمان یگانگی کتابهاست و این که هر دو از یک مؤلف‌اند. این در حالی است که کتاب فرق الشیعه اگر چه به نوبختی نسبت داده شده، دلیلی برای صحت





طاب مٹواہ - (ج ۲، ص ۲۶۶ بعد، چاپ طهران) فرق شیعہ یاد شدہ اند۔
دربارہٴ دو کتاب مورد بحث باید - ان شاء اللہ - به آن نیز رجوع شود۔
ترجمہ و تحریر مقالتی است سودمند با این مشخصات:
فرق الشیعة او مقالات الامامية للنوبختی ام للاشعری؟؟، السيد محمدرضا
الحسینی، تراثذ السنة الاولى، العدد الاول، صیف ۱۴۰۵، صص ۲۹-۵۱۔
این مقاله به جهت فوائد پر شمار و ربط وثیق به دو متن مهم - که هر دو
به فارسی هم ترجمہ شدہ اند - به فارسی گردانیدہ شد۔

بی نوشتہا:
-۱

Bibliotheca Islamica
Die Sekten Der Schi'a Von Al-Hasan
Ibn Musa An-Naubakhti
Istanbul-۱۹۳۱

۲. المقالات والفرق: سعد بن عبدالله الاشعری، ط ۱۹۶۳، مط حیدری -
طهران، مقدمة الدكتور محمدجواد مشکور، ص کج.
۳. رجال الطوسی: محمدين الحسن الطوسی، شيخ الطائفة ط ۱۳۸۱ هـ، مط
الحیدریة - النجف ص ۴۶۲.
۴. الفهرست شيخ الطائفة، ط ۱۳۸۰ هـ، مط الحیدریة. النجف، ص ۷۱،
به رقم ۱۶۱.
۵. الرجال: احمد بن علی، ابوالعباس، النجاشی (درگذشته به سال ۴۰۵)،
ط... مرکز نشر کتاب طهران، مط مصطفوی، ص ۴۹-۵۰.
۶. فرق الشیعة: الحسن بن موسی النوبختی، ط ۱۹۳۱ - مطبعة البوابة.
استانبول، ص ح - کا.
۷. خاندان نوبختی: عباس اقبال آشتیانی، ط ۱۳۱۱ ش، مط مجلس،
طهران، ص ۱۲۵-۱۶۵.
۸. الفهرست: الشیخ الطوسی، ص ۷۱ به رقم ۱۶۱.
۹. الرجال: النجاشی، ص ۵۰.
۱۰. معالم العلماء: محمد بن علی بن شهر آشوب المازندرانی، ط ۱۳۸۰ هـ،
مط الحیدریة، النجف، ص ۳۲-۳۳.
۱۱. نقد العلم و العلماء او تلبیس ابلیس: عبدالرحمن ابن الجوزی البغدادی،
ط... مط اداره الطباعة المنيرية، مصر، ص ۳۹ و ۴۶ و ۶۳ و...
۱۲. فرق الشیعة: النوبختی، ط استانبول، مقدمه ص کب - کز.
۱۳. خاندان نوبختی: اقبال، ص ۱۳۹.
۱۴. الرجال النجاشی، ص ۵۰.
۱۵. الفهرست: محمد بن اسحاق الوراق ابن النديم، ۱۳۹۱ هـ، مط
دانشگاه طهران، ص ۲۲۵؛ الفهرست: الشیخ الطوسی، ص ۷۱ به رقم ۱۶۱؛
معالم العلماء: ابن شهر آشوب، صص ۳۲ و ۳۳.
۱۶. رجوع کنید به: الذریعة الی تصانیف الشیعة: آقابزرگ الطهرانی، ج
۱۶، ص ۲۴۴، و: ج ۱۵، ص ۳۸۶.
۱۷. الفصول المختارة من العیون والمحاسن للمفید: الشریف المرتضی
علی بن الحسن الموسوی، ط ۱۳۸۱ هـ، مط الحیدریة، النجف، ص ۲۵۸.
۱۸. فرق الشیعة: النوبختی، ط استانبول، ص ۷۹؛ نیز آن را بسنجید یا
ماخذ پیشین.
۱۹. منهاج السنة النبویة: احمد بن عبدالحلیم، ابن تیمیة الحرانی، ط
۱۳۲۱، مط بولاق، مصر، ج ۲، ص ۱۰۵.
۲۰. الدروس الشرعية فی فقه الامامية: محمد بن مکی الشیهد الاول،

نسبتش وجود ندارد و ما در آنچه آمد، بدین مطلب اشاره کردیم؛ همچنین
علمی نبودن آنچه را دلیل صحت انتساب دانسته شده است، روشن ساختیم.
از سوی دیگر - چنان که این را هم روشن کردیم - انتساب کتاب المقالات به
اشعری صحیح است.

از مجموع اینها، قیاسی حاصل می گردد با این نتیجه که فرق الشیعة از
نوبختی نیست و تنها متنی است برگرفته از کتاب اشعری.

با کنار هم نشستن این قرائن چهارگانه، و مؤکد شدن برخی از سوی
برخی دیگر، دربارهٴ نظر ما که می گوئیم فرق الشیعة نسخهٴ مختصری از
مقالات اشعری و نه جز آن، اطمینان حاصل می شود.

البته این کتاب، آنگونه که استاد اقبال پنداشته، متن کامل کتاب
اشعری نیست. استاد اقبال چنان پنداشته است زیرا که متن کامل کتاب
المقالات را ننموده بوده، و گرنه آشکارست که نقلهای مورد استناد وی در این
پندار، با کتاب مقالات سازگارتر و دارای تطابق بیشتری است تا فرق الشیعة.
با همهٴ اینها، از کسی که به مختصرسازی مقالات دست زده و از زمان
مختصرسازی آگاهی روشنی نداریم؛ ولی مسلم است که او عالم به این فن
نبوده، و زین رو در اختصار آن خلط و خبط کرد.

ما می پنداریم پذیرفتن این نظر (= نظر ما) حد وسطی در رای اظهار شده
دربارهٴ فرق الشیعة است و با آن همهٴ دشواریهای این بحث گشوده می شود؛
والحمد لله رب العالمین.

افزونه ترجمان:

پس از نشر مقالهٴ استاد جلالی در شمارهٴ یکم تراثذ، استاد علامه آیه الله
حاج سید محمدعلی روضائی یادداشتی برای مجله فرستاده اند که در شمارهٴ
دوم تراثذ (ص ۱۲۱ و ۱۲۲) به چاپ رسیده و ما اینجا ترجمهٴ مضمون آن را
می آوریم:

«۱- نسخهٴ خطی کهنی از کتاب الفصول المختارة من العیون والمحاسن
نزد ما هست که در اواخر آن این عبارت - که بی هیچ تصرف نقل می کنیم -
آمده است: «فصل: قال الشیخ ادام الله عزه:

و لما توفي ابو محمد الحسن بن علی علیهما السلام افترق اصحابه بعده
علی ما حکاه ابو محمد الحسن بن موسی رحمة الله علیه اربع عشر فرقة،
فقال الجمهور منهم بامامة القائم المنتظر، و اثبتوا ولادته، و صححوا النص
علیه» تا به پایان.

۳- محقق طوسی - رحمة الله - در اواخر کتاب نقد المحصل خویش
می گوید: «و قد رایت رسالة لبعض النوبختیین من قدام الشیعة انه ذکر فيه
ان المشهور ان الاممة تفتقر نبيًا و سبعین فرقة، و الشیعة قد افترقوا هذا القدر
فضلاً عن غیرهم من الزیدیة عشر فرق، و من کیسانیة اثنی عشر فرقة، و
من الامامية اربعاً و ثلاثین فرقة، و من الفلاة ثمانی فرق، و من الباطنية
ثمان او تسع فرق، لكن هؤلاء خارجون عن الاسلام كالفلاة و بعض الباطنية،
والله اعلم بحقیقة الحال».

ما این متن را از نسخه ای نقل کردیم که همهٴ آن به تصحیح علامه
حلی - نور الله مضجعه - رسیده و شماری از اوراق او ایلش به خط آن بزرگوار
- طاب ثراه - می باشد. این متن در چاپ مصری سال ۱۳۲۳ هـ - ق - محرف
و مغلوط است و در چاپ طهران به سال ۱۳۵۹ ش. (ص ۴۱۲-۴۱۳) نیز
اندکی با نقل ما متفاوت است.

پنهان نماند که در دیگر عبارات کتاب نقد هم چیزهایی هست که بتوان
در موضوع فرقه ها با آن دو کتاب (یعنی فرق الشیعه ای چاپی و مقالات
اشعری) سنجید.

۴- در کتاب الصراط المستقیم الی مستحقّی التقدیم علامه بیاضی -

کتابین

٥٣. المقالات والفرق: الاشعري، مقدمه ص ك. كد.
٥٤. هزارة شيخ طوسي (مجموعه‌ای از سخنرانیهای مجلس یادبود هزارة شيخ)، ترجمة على دوانى، ط ١٣٤٩، مط كرج، ايران، ج ٢، ص ١٩٣-٨٢٠٠.
٥٥. المقالات والفرق: الاشعري، ص ٩١، فقرة شماره ١٧٨، و ص ١٠٠ فقرة شماره ١٩٤.
٥٦. ماخذ پيشين، ص ٦٢ فقره‌هاى شماره ١٢٢ و ١٢٣.
٥٧. مختصر بصائر الدرجات، الشيخ حسن بن سليمان الحلبي، ط ١٣٧٠ هـ، مط الحيدرية، النجف، ص ٣.
٥٨. الغيبة: الطوسي، ص ١٦٠ و ٢٨١.
٥٩. رجوع كنيذ به: تنقيح المقال فى احوال الرجال: الشيخ عبدالله المامقاني، ط ١٣٥٢، مط المرتضوية، النجف، ج ٣، صص ١٦٧-١٦٩.
٦٠. المقالات والفرق: الاشعري، ص ١٠٠، فقرة شماره ١٩٥.
٦١. الكافي: محمد بن يعقوب، الشيخ الكليني، ط ١٣٧٧ هـ، مط حيدري، طهران، ج ٣، (يكم از فروع)، ص ٢٢٤، حديث شماره ١٥.
٦٢. المقالات والفرق: الاشعري، مقدمه، ص ك. كج.
٦٣. هزارة شيخ طوسي، ترجمة على دوانى، ج ٢، ص ١٩٩.
٦٤. خاندان نوبختى: اقبال، ص ١٥٦-١٥٧.
٦٥. ماخذ پيشين، ص ١٥٧.
٦٦. المقالات والفرق: الاشعري، مقدمه دكتور مشكور، ص كج. كد.
٦٧. خاندان نوبختى: اقبال، ص ١٥٩.
٦٨. ماخذ پيشين، ص ١٥٨.
٦٩. الذريعة: آقابزرگ الطهراني، ج ١٦، ص ١٧٦، و: ج ٢١، ص ٣٩٤.
٧٠. فرق الشيعة: النوبختى، ط استانبول، ص ٧٩، و: الفصول المختارة: الشريف المرتضى، ص ٢٥٨.
٧١. خاندان نوبختى: اقبال، ص ١٥٦.
٧٢. ماخذ پيشين، صص ١٥٧-١٥٨.
٧٣. ماخذ پيشين، صص ١٥٩-١٦٠.
٧٤. ماخذ پيشين، ص ١٥٧.
٧٥. ماخذ پيشين، ص ١٥٨.
٧٦. ماخذ پيشين، ص ١٥٨، و: المقالات والفرق: الاشعري، مقدمه، ص كد.
٧٧. خاندان نوبختى: اقبال، ص ١٦١.
٧٨. المقالات والفرق: الاشعري، مقدمه، ص كج.
٧٩. الرجال: النجاشي، ص ٤٩.
٨٠. فرق الشيعة ط الرابعة، النجف، ص ٤٠.
٨١. المقالات والفرق: الاشعري، ص ١٨.
٨٢. فرق الشيعة: ط الرابعة، النجف، ص ٤٣.
٨٣. المقالات والفرق: الاشعري، ص ٢٥.
٨٤. ماخذ پيشين، ص ٦٩.
٨٥. سبائك الذهب: السويدي، ص ١٦.
٨٦. خاندان نوبختى، ص ١٥٥.

ط... سنگى، ايران، در قطع وزيرى، ورقة ١١٦.

٢١. فرق الشيعة: النوبختى، ط استانبول، ص ٢.
٢٢. المعنى فى ابواب العدل والنوحيذ: القاضى عبدالجبار الهمداني الاسدابادى، ط... مط الدار المصرية للتايف، القاهرة، جز الامامة، القسم ٢، ص ١٨٢.
٢٣. همان ماخذ، ص ١٨٥.
٢٤. الرجال: النجاشي، ص ٥٠.
٢٥. فرق الشيعة: النوبختى، ط استانبول، ص كا.
٢٦. الشيعة و فنون الاسلام: السيد حسن الصدر الكاظمي، ط... مط العرفان، صيدا، ص ٥٧.
٢٧. الذريعة: آقابزرگ طهراني، ج ١٦، ص ١٧٩.
٢٨. فرق الشيعة: النوبختى، ط استانبول، مقدمه ناشر، ص و.
٢٩. خاندان نوبختى: عباس اقبال، ص ١٤٢.
٣٠. فرق الشيعة: النوبختى، ط ١٣٨٨، الرابعة، النجف، ص ٢١.
٣١. الذريعة: آقابزرگ الطهراني، ج ١٦، ص ١٧٩.
٣٢. الرجال: النجاشي، ص ١٣٣.
٣٣. الفهرست: الشيخ الطوسي، ص ١٠١ به رقم ٣١٨.
٣٤. رجال العلامة الحلبي (خلاصة الاقوال): الحسن بن يوسف الحلبي، ط ١٣٨١، مط الحيدرية، النجف، ص ٧٨-٨٩.
٣٥. المقالات والفرق: الاشعري، تقديم الدكتور مشكور، ص ج. يا.
٣٦. الفهرست: الشيخ الطوسي، ص ١٠١ به رقم ٣١٨.
٣٧. معالم العلماء: ابن شهر آشوب، ص ٥٤.
٣٨. الرجال: النجاشي، ص ١٣٤.
٣٩. بحار الانوار: العلامة الشيخ محمدباقر المجلسي، ط ٣٧٦، مط حيدري، طهران، ج ١، ص ١٥.
٤٠. ماخذ پيشين، ج ١، ص ٣٢.
٤١. الذريعة: آقابزرگ طهراني، ج ٢١، ص ٣٩٤، و ج ١٦، ص ١٧٩.
٤٢. نگر: المقالات والفرق: الاشعري، ص ٨٧، فقرة شماره ١٦٣؛ و سنج: اختيار معرفة الرجال (معروف به «رجال كشي» به سبب برگزیدگی اش از آن): الشيخ الطوسي ط ١٣٤٨ ش، مط دانشگاه مشهد، ص ٢٥٤، فقرة شماره ٤٧٢.
٤٣. نگر: المقالات والفرق: الاشعري، ص ٢٠، فقرة شماره ٥٦؛ و سنج: اختيار معرفة الرجال: الطوسي، ص ٤٧٨ و ٤٧٩، فقره‌هاى شماره ٩٠٦ و ٩٠٧.
٤٤. نگر: المقالات والفرق: الاشعري، ص ١٠٠، فقرة شماره ١٩٥؛ و سنج: اختيار معرفة الرجال: الطوسي، ص ١٠٨، فقرة شماره ١٨٤.
٤٥. نگر: المقالات والفرق: الاشعري، ص ١٠٠، فقرة شماره ١٩٥؛ و سنج: اختيار معرفة الرجال: الطوسي، ص ٥٢٠، فقرة شماره ١٠٠.
٤٦. خاندان نوبختى: اقبال، ص ١٥٥.
٤٧. ماخذ پيشين، ص ١٥٥ و ١٥٦.
٤٨. المقالات والفرق: الاشعري، ص ١٠٠، فقرة شماره ١٩٥؛ و سنج: الغيبة: الشيخ الطوسي، ط ١٣٨٥، مط النعمان، النجف، ص ٢٤٤ و ٢٤٥.
٤٩. خاندان نوبختى: اقبال، ص ١٥.
٥٠. الذريعة: آقابزرگ الطهراني، ج ٢١، ص ٣٩٤.
٥١. المقالات والفرق: الاشعري، مقدمه مشكور، ص ي ح. ي ط.

٥٢ - Dr. Mashkur: An-Nawbakhti: - Les

Sectes Shiites Traduction Annotee

avec Introduction, Parue dans La revue l'histoire

